

بررسی تطبیقی شهادت زنان با استناد به آیه ۲۸۲ بقره از دیدگاه مؤلفان لیدن و تسنیم*

□ طیبه حیدری راد**

چکیده

مسئله شهادت زنان از جمله مسائل مهم در حوزه مطالعات زنان است که بررسی دقیق آن گام مهمی در جهت اعتلای مفاهیم متعالی اسلام، کرامت بخشی به زنان و زدودن شبهه نابرابری حقوق زنان و مردان است. به جهت اهمیت موضوع، این مسئله از دیرباز مورد توجه پژوهشگران مسلمان و غیرمسلمان قرار گرفته است. از این رو محقق سعی نموده به بررسی تطبیقی شهادت زنان با استناد به آیه ۲۸۲ بقره از دیدگاه مؤلفان لیدن و تسنیم بپردازد. مؤلفان لیدن، شبهاتی به مسئله شهادت زنان وارد نموده و عدم تساوی عدد زنان با مردان در شهادت دادن را یک تبعیض حقوقی و نقصان در عقل زنان شمرده اند و احکام فقهی اسلام را با تلمود مقایسه کرده اند. این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی با بهره گیری از منابع کتابخانه ای درصدد تحلیل و پاسخگویی به شبهات برآمده و به این نتایج دست یافته که در اسلام، زن و مرد دارای تکالیف و حقوقی هستند که مدفانه، حکیمانه و به صورت تساوی و براساس مصالح جعل شده و مسئله شهادت زنان، از جمله تکالیف

*. تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۶/۴ / تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰.

** . طلبه سطح ۴ تفسیر تطبیقی جامعه الزهراء (ع) (hamidarerad2010@gmail.com)

موضوعه ایشان و کاملاً اختیاری است که اختلاف در عدد با مردان، سبب نقصان عقل زنان و تبعیض حقوق نیست؛ کما این که در مواردی نیز فقط زنان از حق ادای شهادت برخوردارند. یک‌سونگری در استفاده از منابع، تکیه نمودن بر منابع اهل سنت، ارائه تحلیل سطحی و حدسی، قیاس نادرست قرآن و تلمود و خلط در مسائل حقوقی از سوی مستشرقان، منجر به دیدگاه ناصواب ایشان در شهادت زنان شده است.

کلیدواژه‌ها: دائرةالمعارف قرآن لیدن، شبهه شهادت زنان، آیه ۲۸۲ بقره، تفسیر تطبیقی، مستشرقان، تسنیم.

مقدمه

در شماری از آیات قرآن و در موضوعات وصیت (مانده، آیه ۱۰۶)؛ طلاق (طلاق، آیه ۲)؛ زنا (نور، آیه ۴ و ۳۱)؛ نساء، آیه ۱۵) و دین (بقره، آیه ۲۸۲) از گواهی و تعداد شهود سخن به میان آمده که یک مورد آن به طور مشخص از گواهی زن و میزان ارزش آن صحبت شده است؛ ﴿...وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى...﴾؛ و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند، انتخاب کنید! (این دو زن، باید با هم شاهد قرار گیرند) تا اگر یکی انحرافی یافت، دیگری به او یادآوری کند (بقره، آیه ۲۸۲). مفسران متقدم و متأخر فریقین هر کدام به مسأله شهادت و تفاوت‌های بین شهادت زن و مرد از دریچه‌های خاص نگریسته‌اند و به بیان علت اختلاف پرداخته‌اند که گاه با هم همپوشانی داشته و گاه از هم قابل تفکیک‌اند؛ همین آراء مفسران، مبنای تنوع در فتاوی فقهی فقه‌های فریقین و نظرات حقوقی حقوقدانان حول محور شهادت زنان گشته است. باب قضا و شهادت از ابوابی است که با جامعه انسانی ارتباط مستقیم دارد و همیشه مردم در اجتماع به این امور نیازمندند و قاضی بدون بینه و شهود در محاکم نمی‌تواند به حق حکم کند. لذا نیاز به تبیین مسائل و احکام مختلف آن براساس قوانین برگرفته از منبع وحی ضروری می‌نماید و بر این اصل علمای بزرگ شیعه با استناد به مبانی و ادله اربعه فقه (قرآن، سنت پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت عصمت: عقل، اجماع) و علمای اهل سنت با تمسک به قرآن و سنت پیامبر ﷺ و قیاس به بیان این مهم پرداخته‌اند. از طرفی در بین احکام اسلامی، مسأله شهادت زنان از جمله مواردی است که مورد شبهه مستشرقان قرار گرفته است.

از جمله آثار مستشرقان می‌توان به دائرةالمعارف قرآن (Encyclopedia of the

Quran) اشاره نمود که در مدخل‌های متعددی از قرار ذیل:

Witnessing and Testifying: Matthias Radscheit

شاهد بودن و شهادت دادن: ماتیاس رادشیت؛^۱

Ruth Roded Women and the Qurān:

زنان و قرآن: روت رادد؛^۲

Law and the Qur'an: Wael B. Hallaq

فقه و قرآن: وائل حلاق؛^۳

contracts And alliances: Wael B. Hallaq

عقد و پیمان: وائل حلاق؛^۴

Boundaries and Precepts (hudūd Allāh): Richard Kimber

حدود الهی: ریچارد کیمبر؛^۵

witness to faith: Andrew Rippin

شهادت: اندرو رپین؛^۶

به مباحث حقوقی زنان از جمله شهادت و گواهی دادن پرداخته است. علاوه بر این،
مدخل‌های دیگری نیز به صورت غیرمستقیم به بحث نوشتار حاضر مربوط است که عبارت‌اند
از:

۱. مدخل «شهید» (ویم ریون: ۵۷۹/۳؛ 282, v:3, p: 282, Wim Raven, martyr).

۲. مدخل «سیره و قرآن» (ویم ریون: ۴۴۹/۳؛ Sīra and the Qurān, Wim Raven, v: 5, p: 29).

از این رو مقاله حاضر با استفاده از منابع و مطالعات کتابخانه‌ای به روش توصیفی -
تحلیلی به بررسی تطبیقی شهادت زنان از دیدگاه کتاب مذکور و مؤلف تسنیم می‌پردازد.
تبیین دقیق مسأله شهادت زن در اسلام یکی از ضرورت‌های پژوهشی است که می‌تواند
گام مهمی را جهت اعتلای مفاهیم و مسائل متعالی اسلام بردارد و ضمن کرامت‌بخشی به
زنان و پرداختن به تکالیف موضوعه ایشان، شبهه تبعیض و نابرابری حقوق زنان و مردان را
بزداید و پاسخی در برابر شبهات باشد.

نوشتار حاضر برای دستیابی به اهداف فوق با رویکردی تفسیری-فقهی در پی پاسخگویی

به این سؤالات تدوین یافته است:

مؤلفان **دائرة المعارف** قرآن لیدن چه شبهاتی به مسأله شهادت زنان وارد کرده‌اند؟ شبهات ایشان چگونه نقد می‌شود؟ مسأله شهادت زنان در قرآن چگونه تبیین شده است؟ مفسران و فقهای فریقین و از جمله مؤلف تسنیم چه رویکردی به این قضیه دارند؟ لازم به ذکر است درباره شهادت زنان، پژوهش‌هایی انجام یافته است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. مقاله «نگاهی به دیدگاه‌های مفسران در مورد گواهی زنان در قرآن» اثر احمد رضا حسن‌خانی، بهار ۱۳۸۹، شماره ۶۱، نشریه پژوهش‌های قرآنی، ص ۲۰۶، چاپ شده که در آن فقط نظرات مفسران مطرح شده است.

۲. مقاله «بررسی ارزش شهادت زن در قوانین موضوعه ایران و مبانی فقهی آن» اثر حسین مهرپور در سال ۱۳۸۷، در شماره ۱۸ نشریه نامه مفید، چاپ شده و فقط به مبانی فقهی ارزش شهادت زن پرداخته است.

۳. مقاله «مبانی فقهی و حقوقی اعتبار شهادت زنان در اثبات دعاوی» اثر فهیمه ملک‌زاده که در شماره ۳۹ نشریه ندای صادق، سال ۱۳۸۴، چاپ شده است.

در بررسی‌های انجام‌شده از سوی نگارنده، اثر مستقلی که درصدد نقد و بررسی شبهات **دائرة المعارف** قرآن لیدن درباره شهادت زنان با رویکرد تفسیری - فقهی برآمده باشد یافت نشده است.

از این‌رو نوشتار پیش‌رو با بهره‌جستن از نظرات مفسران و فقهای فریقین در پی نقد و بررسی شبهات **دائرة المعارف** قرآن لیدن حول محور شهادت زنان به رشته تحریر درآمده است.

مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی

قبل از پرداختن به مباحث، به مفهوم‌شناسی چند واژه کلیدی پرداخته می‌شود.

۱. شهادت

الف. از نظر لغوی

ابن فارس (م ۳۹۵ق) در تعریف شهادت می‌گوید: «شهادت از شهد گرفته شده و اصلی است که بر حضور، علم و اعلام کردن دلالت می‌کند» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۲۲۱/۳)؛ برخی دیگر نیز گفته‌اند: «شهادت، خبر قاطع است و شاهد، عالمی است که هر چه می‌داند را بیان و آشکار می‌کند» (زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۴۵-۴۶/۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۲۳۹/۳؛ معلوف، ۱۳۶۲: ۱/۸۸۷).
فراهیدی (م ۱۷۵) و فیومی (م ۷۷۰ق) می‌گویند: «شهادت، اطلاع یافتن بر چیزی، معاینه و مشاهده کردن آن چیز و گواه بودن بر آن است» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۳۹۷/۳؛ فیومی، ۱۴۱۴ق: ۳۲۴/۲).

مصطفوی (م ۱۴۲۶ق) نیز گفته: «شهادت، علم به حضور نزد معلوم و معاینه کردن معلوم است» (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۳۱/۶) راغب (م ۵۰۲ق) نیز شهادت را چنین تعریف کرده است: «گواه بودن، اقرار کردن، سخن گفتن از روی علم و آگاهی که از مشاهده و بصیرت یا دیدن با حواس و چشم حاصل گردد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۶۵).
ابوهلال عسکری (م ۳۹۵ق) بین شهادت و خبر تفاوت قائل شده و حکم شهادت را از خبر محض جدا دانسته و بیان نموده که شهادت دادن دو نفر نزد قاضی، موجب عمل کردن به آن می‌شود و انصراف از آن جایز نیست؛ در حالی که منصرف شدن و عمل نکردن به خبر دو نفر جایز است (عسکری، ۱۴۰۰ق: ۳۴). گواهی دادن، معنای مختار محقق است.

ب. شهادت از نظر اصطلاحی

هریک از فقها و حقوقدانان تعاریفی ارائه داده‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:
صاحب جواهر (م ۱۲۶۶ق) می‌گوید: «شهادت عبارت است از خبر دادن شخصی غیر از حاکم به صورت قطعی، در مورد حقی که به نفع دیگری الزام‌آور باشد». همچنین وی می‌گوید: «شهادت، خبر دادن از وقوع امور محسوس به یکی از حواس است و با اقرار متفاوت

است، زیرا آن، اخبار به حقی به ضرر خود و به نفع غیر است» (ر.ک: نجفی: ۱۰۷/۴۰ و ۷۸/۴۱). جرجانی می‌گوید: «شهادت عبارت است از این که در مجلس قضاوت به نفع دیگری و بر ضرر کسی از آنچه که دیده به لفظ شهادت به حق خبر دهد» (جرجانی، ۱۳۰۶: ۵۷). سیدحسن امامی (م ۱۳۵۸) یکی از حقوقدانان برجسته نیز در تعریف شهادت آورده است: «شهادت عبارت است از اخبار شخص از امری، به نفع یکی از طرفین دعوی و به زیان دیگری» (امامی، ۱۳۴۰: ۱۸۹/۶).

وجه اشتراک اکثر تعاریف این است که در شهادت، حق، امتیاز و نفعی برای شاهد، قید نشده است. برخی از مؤلفان مدخل‌های لیدن نیز تعاریفی از شهادت ارائه داده‌اند که در ذیل مطرح می‌گردد:

ماتئاس رادشیت با استناد به آیات قرآن، در تعریف شهادت چنین آورده است: شاهد بودن و شهادت دادن در عربی از ریشه «شهد» گرفته شده و در قرآن ۱۶۰ بار به‌طور عمده در شکل ثلاثی مجرد به کار رفته است که مجموعه‌ای از معانی را شامل می‌شود: حضور داشتن، شاهد عینی بودن، شهادت دادن به چیزی، اعتراف کردن، شاهد عینی اعمال و حوادث، شهادتی که شهادت خود را در دادگاه دنیوی یا اخروی ادا می‌کند، شهادتی که به ایمان و باور خویش گواهی می‌دهد، گواهی دادن به نتیجه یک توافق (بقره، ۲۸۲؛ مائده، ۱۰۶)، تأیید دانش فرد، قسم و

رادشیت پس از نقل معانی متعدد برای واژه شهادت، آن را چنین جمع‌بندی کرده است: با توجه به ابهامات معانی پیچیده این کلمه، اصطلاح شهادت و مشتقات آن در سه قلمرو مختلف فرهنگ اسلامی اهمیت محوری پیدا کرده است. نخست: به معنای شهادت دادن در زمینه قضایی؛ دوم: اشاره به جمله اعتقادی شهادتین؛ سوم: شهادت و کشته شدن در راه خدا (ر.ک: ماتئاس رادشیت، «شاهد بودن و شهادت دادن»، ۴۸۸-۴۸۷/۳: Witnessing and Testifying: Matthias Radscheit, v:5, p:502-506).

ویم‌ریون در مدخل «شهید» می‌گوید: «شهادت به معنای شاهد بودن یا شنونده اقرار است» (ویم‌ریون، «شهید»، ۵۷۹/۳؛ martyr, Wim Raven, v:3, p:282).

اندرو ریپین در مدخل «شهادت»، شهادت دادن را درون‌مایه‌ای قرآنی دانسته و بر خلاف

ماتّیاس رادشیت، تعداد آن را در قرآن بیش از ۲۰۰ بار در نظر گرفته است و با استناد به قرآن دو معنای اصلی که مرتبط با یکدیگرند برای شهادت تصور کرده که یکی به موضوعات ایمانی مربوط می‌شود و دیگری به موضوعات مختلف فقهی مانند اقامه دعوی، امور شخصی، مالی و جرائم حدّی که این نوع همان بیّنه یا دلیل است (ر.ک: اندرو ریپین، «شهادت»، ۵۷۵/۳؛ Rippin, v:5, p:488)witness to faith: Andrew

۲. شبهه

الف. از نظر لغوی

ابن فارس (م ۳۹۵ق) در تعریف شبهه گفته: «اصل واحدی است که بر مشابه و هم‌شکل بودن دو چیز از نظر رنگ و صفت دلالت می‌کند و مشتبه شدن امر یعنی کار به مشکل رسیدن» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۲۴۳/۳).

فراهیدی (م ۱۷۵ق)، جوهری (م ۳۹۳ق)، زمخشری (م ۵۸۳ق) و راغب (م ۵۰۲) می‌گویند: «شبهه به معنای مشابهت، مشکلات، خلط‌کردن، مختلط شدن و التباس است» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۴۰۴/۳؛ جوهری، ۱۴۰۷ق: ۲۲۳۶/۶؛ زمخشری، ۱۹۷۹م: ۳۲۰؛ راغب، ۱۴۱۲: ۴۴۳).

مصطفوی (م ۱۴۲۶ق) نیز گفته: «اصل واحدی است که نازل شدن چیزی به جای چیز دیگری است که به سبب مناسبت و هم‌شکلی در صورت آن‌هاست، با مماثلت متفاوت است؛ زیرا آن تجانس و تناسب در ماده و ذات است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۱/۶).

ب. شبهه از نظر اصطلاحی

امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «شبهه را شبهه می‌گویند زیرا شبهه حق است» (نهج البلاغه، ۱۳۷۹: خ ۳۸). برخی گفته‌اند: شبهه، مشتبه شدن امر، التباس، تردید بین امور حلال و حرام، خطا و صواب و حق و باطل است» (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۵۰/۶؛ مصطفی، ابراهیم و دیگران: ۲-۴۷۰/۱؛ غزالی: ۳۷/۵). ابن عربی معتقد است: «شبهه یعنی چیزی که شبهه محرّماتی است که مطابق نص صریح

کتاب، سنت و اجماع تحریم شده است» (ابن عربی: ۷۲/۴). از نظر وی شبهات، هر معلومی است که هم حق در آن آشکار است و هم غیر حق و به خاطر تعارض ادله شرعیه مشتبّه می‌شود؛ از این رو لازم است درباره آن توقف شود تا امر مشتبّه روشن گردد (ابن عربی: ۳۷۰/۳).^۷ مراد از شبهه در این نوشتار، تعریف اصطلاحی آن به معنای مشتبّه شدن و خلط حق و باطل در یکدیگر است و به صورت خاص، مقصود از آن اشکالات مستشرقان به شهادت زنان است.

دیدگاه مؤلفان دائرة المعارف قرآن لیدن درباره شهادت زنان

اکنون دیدگاه مؤلفان دائرة المعارف قرآن لیدن از قبیل روت رادد و ماتیس رادشیت که در مدخل‌های مجزا مسأله شهادت زنان را مطرح کرده‌اند بیان می‌گردد.

۱. نقصان حافظه زنان در گواهی دادن

دکتر روت رادد در بخشی از مقاله «قرآن و زنان» با اشاره به آیه ۲۸۲ سوره بقره، در رابطه با شهادت زن، می‌نویسد:

شهادت زنان یکی دیگر از مسائل دوپهلوی در قرآن است. زمانی که به دو شاهد مرد نیاز باشد و دو مرد نباشد، شهادت یک مرد و دو زن کافی است و دلیل آن به صراحت در قرآن بیان شده است که اگر یکی خطا و فراموش کرد، دیگری به یادش آورد؛ به عبارت دیگر، زنان در شهادت قانونی قابل اعتمادند، ولی حافظه شان مثل مردان دقیق و درست نیست (روت رادد: ۲۷۸/۳).

Roded, Ruth, Encyclopedea of Quran, Women and the Quran, v:5, p:525)

۲-۲. تبعیض بین حقوق زن و مرد

روت رادد در مقاله «قرآن و زنان» در رابطه با شهادت زن، بحث تبعیض بین حقوق زن و مرد را مطرح نموده و نوشته است: در شرایطی که به دو شاهد مرد نیاز باشد و دو مرد در دسترس

نباشد، شهادت یک مرد و دو زن تعیین شده و آیه ۲۸۲ سوره بقره بیانگر دلیل این تبعیض و نابرابری محض است (روت رادد: ۲۷۸/۳)؛ Roded, Ruth, Encyclopedea of Quran, Women and the Quran, v:5,P:525)

۲-۳. مقایسه شهادت زن در قرآن با تلمود^۸

ماتیاس رادشیت نویسنده مدخل «شاهد بودن و شهادت دادن»، در دائرةالمعارف جین دمن مک دولیف چاپ لیدن هلند نوشته است: در آیه ۲۸۲ بقره که بلندترین آیه قرآن و معروف به «آیه دین» است شهادت دادن در زمینه تعهدات مالی و توافقاتی در زمینه حقوق خصوصی مطرح است که تعداد شاهدان مورد نیاز حداقل دو نفر است. در این آیه مقرر شده است که اولاً چنین توافقی باید مکتوب باشد و ثانیاً دو شاهد برای نگارش پیش‌نویس قرارداد باید حضور داشته باشند تا در مشاجره حقوقی احتمالی در آینده بتوانند به روند صحیح آن شهادت دهند.

وی بیان کرده که این توصیه قرآنی تا این‌جا به صورت کلی با مقررات مشابه احکام تلمود مطابقت دارد. (ر.ک: شاهد بودن و شهادت دادن، ماتیاس رادشیت ۴۹۱/۳؛ Encyclopedea of Witnessing and Testifying: Matthias Radscheit, v:5,p:503)Quran,

او گفته فرق تلمود و قرآن در این است که در تلمود، زنان به‌جز مواردی که مربوط به آنان است از شاهد بودن و شهادت دادن استثنا شده‌اند، در حالی که در قرآن این قاعده بنا گذاشته شده است که: «اگر دو مرد نبودند مردی را به همراه دو زن از میان گواهانی که به عدالت آنان رضایت دارید گواه بگیرید تا اگر یکی از آن دو زن، فراموش کرد زن دیگری وی را یادآوری کند». او در این‌جا مطلب خود را به مقاله «زنان و قرآن» ارجاع داده و در ادامه گفته است: «بنا بر نظر حنفیان، این آیه به این معناست که شهادت دو زن و یک مرد را در همه موارد، جز در حدود و قصاص، می‌توان پذیرفت. اما در سایر مذاهب فقهی، این جواز عمدتاً به معاملات مالی محدود شده و در غیر این صورت، حق شهادت دادن به موضوعات خاص زنان به

خودشان محدود شده است. در این موارد، قاضی می‌تواند خود را به شهادت فقط زنان محدود کند، اگرچه تعداد زنان شاهد مورد نیاز در این موارد در مکاتب مختلف فقهی متفاوت است» (ر.ک: همان: ۴۹۱ و ۴۹۳؛ the same one, v:5,p:502)

دیدگاه مؤلف تسنیم درباره شهادت زنان

آیت‌الله جوادی آملی در این باره نوشته است:

هنگام تحمّل و ادای شهادت، دو زن باید با هم باشند و يك زن کافی نیست؛ زیرا غالباً زنان در مسائل تجاری، حضور و تخصّص و دقّت کاری ندارند و احیاناً اگر یکی از آن دو زن بعضی از خصوصیات مورد معامله را از یاد برد، زن دیگر سبب یادآوری او می‌شود. پس مراد از (آن تَصِلَ) نسیان است و از (فَتَذَكَّرُ) یاد آوردن. برخی ضلالت را حیرت و آن را نیمی از نسیان دانسته و گفته‌اند: نسیان که کمال ضلالت و حیرت است به مرد اسناد داده شده است: «فَنَسِيَ وَ لَمْ يَجِدْ لَهُ عِزْماً» (طه، آیه ۱۱۵). در همین راستا ادعا شده است که اگر در این مورد يك مرد به جای دو زن است، در بعضی از موارد يك زن به جای دو مرد خواهد بود؛ مانند اعتماد قاضی به قول زن در عده حیض و نظیر اعتماد مرد به قول همسرش در این که این فرزند از اوست و در اصل حیض (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۶۲۷/۱۲؛ ابن عربی، ۱۴۱۰ق: ۴۰۱/۱).

ایشان به حدیثی از امام حسن عسکری علیه السلام استناد جسته که از امام علی علیه السلام نقل کرده‌اند: زنی از رسول الله صلی الله علیه و آله پرسید چرا در شهادت و ارث، دو زن معادل یک مرد است؟ رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: این قضاوتی است از عادل حکیم که ستم نمی‌کند و از آنچه شما را از آن منع کرده سودی به دست نمی‌آورد و از آنچه بذل کرده هیچ نقصانی بر او عارض نمی‌گردد و مسائل را با علم خود تدبیر می‌کند. ای زن! دین و عقل شما ناقص است. آن زن گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله نقصان دین ما در چیست؟ فرمود: یکی از شما (یک زن) نصف عمر خود را به سبب حیض نماز نمی‌گزارد و این که

شما در زندگی لعن و کفر زیاد می‌کنید، برخی از شماها نزد مردی ده سال یا بیشتر زندگی می‌کند و مرد به او احسان می‌کند و در ناز و نعمت قرار می‌دهد، ولی چنانچه روزی دستش تنگ شود و یا با او نزاع کند، زن به او می‌گوید: هرگز هیچ خیری از تو ندیدم. پس هرچه به سبب این نقصان بر او عارض می‌شود، بر او مشقتی خواهد بود و باید صبر پیشه کند و خداوند ثواب بزرگی به او می‌دهد، خداوند هیچ زنی را با مردی برابر قرار نداده است مگر آنچه خداوند از برابری فاطمه علیها السلام با علی علیه السلام قرار داده یعنی در شهادت دادن (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۶۴۴/۱۲؛ موحد ابطحی اصفهانی، ۱۴۰۹ق: ۵۱۴؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق: ۵۶۳/۱).

وی خود فرموده است:

آنچه در این‌گونه از احادیث مطرح است با اغماض از سند، ناظر به حکمت غالبی است، نه علت دائمی. اشتغال وافر زن به مسائل خانگی از يك سو و قَلّت حضور وی در جریان‌های اقتصادی و اجتماعی از سوی دیگر می‌تواند سبب احتیاط قضایی در تعدّد شاهد شود (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۶۲۷/۱۲).

این‌که شهادت دو تا زن در حکم شهادت یک مرد است به مسأله اندیشه و عقل بر نمی‌گردد. خود قرآن نکته آن را ذکر فرموده؛ نه برای آن است که زن عقلش ناقص است، بلکه برای این‌که تذکر و حافظه‌اش کم است. دو زن برای این است که هر دو در صحنه حضور داشته باشند که این به ضعف حافظه و ذاکره بر می‌گردد، نه به ضعف عقل. زن مشغول کارهای خانه، تربیت بچه و مشکلات مادری است؛ ممکن است آن صحنه‌ای که دیده، فراموش کند. بنابراین باید دو تا زن در این جریان حضور پیدا کنند تا اگر یکی یادش رفت، دیگری او را متذکر کند. زن و مرد در بهره‌مندی از قوای عقلانی با یکدیگر یکسان نیستند. زن از آن‌جاکه در طرح حکیمانه عالم تکوین برای فعالیت‌های ویژه‌ای انتخاب شده است، نیازی به برخورداری از استعداد عقلانی مساوی با مردان ندارد. تفاوت عقلانی زن و مرد در سه مرتبه عقل ابزاری، عقل نظری و عقل عملی قابل تصور است که هرکدام باید جداگانه مورد بررسی قرار گیرد (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۷۱: ۳۴۶ و ۱۸۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۴۱/۱۸؛ جعفری، ۱۳۷۶: ۲۹۹/۱۱).

تحلیل و بررسی دیدگاه‌ها

پس از مطالعه و تحقیق پیرامون دیدگاه‌ها اکنون به تحلیل و بررسی داده‌ها پرداخته می‌شود.

۱. دیدگاه نقصان حافظه زنان

در پاسخگویی به شبهه دیدگاه مذکور، وجوه متعددی متصور است که به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود:

الف. نتیجه‌گیری مبتنی بر حدس

در جواب ایشان به اجمالاً بیان می‌داریم:

در آیه مبارکه ۲۸۲ سوره بقره ﴿أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى﴾ واژه «ضلال» که علت عدم تساوی زن و مرد در شهادت عنوان شده، به معنای گم شدن، پنهان شدن، ضایع گشتن، گمراهی، غفلت ورزیدن و نسیان است (طریحی، ۱۳۷۵: ۴۱۰/۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۱۰)

برخی از مفسران آن را به فراموشی و نسیان (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۵۶۱/۱؛ ابن‌عاشور: ۵۷۴/۲؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۹۵/۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۳۲۶/۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۳۹۷/۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۵۸/۲؛ ابن‌قتیبه: ۸۸/۱؛ حقی بروس: ۴۴۲/۱) و بعضی دیگر به ضلال، گمراهی و انحراف معنی کرده‌اند (مکارم و همکاران، ۱۳۷۴: ۳۸۷/۲؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۷۳/۵). طبق احتمال اول ضمیر «احداهما» در هر دو جا به زنان برمی‌گردد و به گفته علامه طباطبایی ضمیر اول به یکی از زنان به‌طور نامعین و ضمیر دوم به یکی از زنان به‌طور مشخص مربوط است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴۳۴/۲). اما طبق احتمال دوم، ضمیر اول به شهادت و ضمیر دوم به زنان بر می‌گردد. با توجه به این‌که برخی لغت‌نویسان معنای نسیان را در ضمن معانی ضلال نگفته‌اند و نیز تعدد در مرجع از تکرار مناسب‌تر است، احتمال دوم قوت بیشتری دارد. ضلال در هریک از دو معنی که به کار رفته باشد، علت آن در آیه بیان نشده است و آنچه

مفسران گفته‌اند بیشتر بر حدس و گمان مبتنی است (مهریزی، ۱۳۸۲: ۷۴)؛ چنان‌که دکتر روت رادد نیز با حدس و گمان به این نتیجه رسیده است که حافظه زنان دقیق و درست نیست؛ در حالی‌که از ظاهر آیه هرگز چنین معنایی استفاده نمی‌شود.

ب. ارائه تحلیل سطحی

اگر گواهی دوزن در برابر یک مرد، نقص در حافظه و شخصیت زن شمرده شود، در مورد دو شاهد مرد «شهیدین من رجالکم» یا چهار شاهد مرد در مورد دیگر چه می‌گوییم؟ آیا یک مرد به‌تنهایی قابل اعتماد نیست؟ آیا نقص در عقل و حافظه یا دین اوست که حتماً باید دو تا یا چهارتا باشد؟

حقیقت این است که این موارد هرگز نباید ابزاری برای ارزیابی منفی شخصیت زن باشد؛ زیرا کاملاً بی‌انصافی است که بدون درک روح قرآن که به‌عنوان مجموعه‌ای از رهنمودهای تربیت‌گر و هدایت‌گر انسان است، تحلیل‌های سطحی ارائه نمود.

ج. عدم توجه به عواطف زنان

از دیگر نقدهای وارده بر رادد، بی‌توجهی ایشان به جنبه‌های عاطفی و احساسی زنان و غلبه آن بر مردان است که همین امر سبب بروز شبهه شده است.

شهید مطهری می‌گوید: یک التماس و گریه برای منقلب نمودن روح زن کافی است تا در شهادت دادن، احساسات بر او غلبه یابد و به‌نحو دیگری حکم کند که هیچ ارتباطی به ضعف عقل، ضعف ایمان و ضعف عدالت ندارد؛ بلکه مربوط به این حالت احساساتی بودن است که این احساس در میان خود مردها هم هست به‌گونه‌ای که جوشش و تأثیر آن‌ها از دیگر مردان بیشتر است و این به‌معنای کمتر بودن عقل این دسته از مردان از سایر مردان نیست.

ایشان نتیجه‌گیری می‌کنند که به احتمال بسیار قوی علت عدم برابری گواهی زن و مرد برای این است که زن بیشتر از مرد متأثر می‌شود و این به برتری احساسات زن مربوط می‌شود (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۱: ۱۳/۷).

بنابراین مسأله گواهی را نمی‌توان به پای قوت و ضعف عقل گذاشت چون ارتباطی به آن ندارد؛ نه با عقل مرد کار دارد، نه با عقل زن؛ حل و فصلش با عقل نیست. درواقع گواهی دادن، بازگو نمودن صادقانه مشاهدات و شنیده‌هاست که این ارتباطی به عقل ندارد. چه بسا، لااقل در مسائل حقوقی که خارج از محیط شئون کاری زن است، حفظ زن از مرد کمتر است که به همان مسأله احساسات قابل توجه در زنان برمی‌گردد (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۱: ۱۲/۷).

د. خلط بین احساس و عقل

از دیگر دلایلی که موجب وقوع شبهه از سوی رادد شده ایجاد خلط بین دو حیطه احساس و عقل است.

علامه فضل‌الله در این زمینه نوشته‌اند: عالم شهادت ارتباطی به عالم عقلانیت ندارد؛ عقل یک توان و حالت فکری است، در حالی که شهادت یک احساس طبیعی است و به وثوق در نقل ارتباط دارد. شهادت ارتباط کلی با مقوله عقل ندارد. ممکن است انسانی که عقل کامل ندارد، شهادت درست یا نادرستی بدهد.

پیداست این تعلیق شهادت، انسجامی با عنوان نقصان ندارد. نقصان عقل یعنی این که امکان و توان فکری زن از مرد کمتر است، در حالی که شهادت ارتباط به این موضوع ندارد. این که برخی گفته‌اند قدرت عاطفه زن بیشتر است، این بعد عاطفی زن به معنای کاستی عقل او نیست. ممکن است انسانی آن قدر عاطفی باشد که در یک مسأله، تصرفی غیر عقلانی بکند، اما این مورد ثابت نمی‌کند که او دچار نقصان عقل شده است (ر.ک: فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۷۳/۵؛ کدیور، ۱۳۸۸: ۲۲۴).

وی همچنین گفته: نسیان خصوصیتی در موضوع ندارد؛ بلکه خصوصیت در ضلال و انحراف است که چیزی جز دور شدن از حقیقت از طریق اسباب طبیعی نیست که این اسباب اعم از خطا، غفلت و نسیان است و بیشتر بودن نسیان در زن نسبت به مرد، وجداناً و علماً قابل اثبات نیست (همان: ۱۷۳ و ۱۷۴).

هـ. استمداد از منابع اهل سنت

یکی دیگر از دلایلی که سبب شبهه از سوی خانم رادد شده این است که به اقوال علمای اهل سنت مانند مسلم و طبری تکیه نموده و جمعی از صاحب نظران اهل سنت، پایین تر بودن عقل، درک و شعور زن نسبت به مرد را فلسفه وضع چنین حکمی درباره شهادت زن دانسته اند و اساساً نصف بودن ارزش گواهی زن نسبت به مرد را دلیل ناقص العقل بودن زنان می دانند و بر این معنا به احادیثی نیز استناد جسته اند. مثلاً حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کنند که خطاب به زنان فرمود: «دین و عقل شما از مردان ناقص تر است. وقتی زنان از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال کردند نقصان دین و عقل شان از چیست؟ ایشان فرمود: «نقصان دین به خاطر محروم بودن از نماز و روزه در چند روز در ماه است و نقصان عقل بدین جهت است که گواهی هریک از شما نصف گواهی مرد است».

در حالی که بررسی سندی و دلالتی این حدیث با ایراداتی از سوی اندیشمندان مواجه شده؛ زیرا با وجود این که ناقل این حدیث، ابوهریره است که به جاعل احادیث معروف است اما افرادی چون مسلم (م ۲۶۱ق) و ابن کثیر آن را در منابع خویش آورده اند (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۵۶۱/۱؛ نیشابوری، ۱۳۲۹ق: ۸۶/۱).

و. عدم توجه به رأی صاحب نظران

رادد به نظرات اندیشمندان در زمینه حلقه ارتباطی نسیان زنان و امور اثرگذار بر آن، وقعی ننهاد و لذا در تحلیل مسائل با چالش روبه رو گشته و مباحث فراموشی در شهادت را به نقصان حافظه ربط داده، در حالی که بروز مسائل هیجانی دخیل در نحوه شهادت است.

از دیدگاه روان شناختی مسأله فراموشی زنان هنگام ادای شهادت قابل توجه است؛ زیرا فراموشی با میزان احساسات و هیجانات فرد، رابطه مستقیم دارد. هر اندازه فرد تحت تأثیر احساسات و هیجانات روحی قرار گیرد، وقایعی را که به خاطر سپرده، زودتر فراموش می کند و دقت کمتری در نقل آن خواهد داشت (امیری و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۸-۱۶۳/۲؛ رضایی

اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹/۱۲).

یک روان‌شناس قضایی می‌گوید: «یک موضوع که در ذهن ما انعکاس شدید هیجانی یا صبغه کراهت ایجاد می‌کند، می‌تواند موجب تسهیل یا تسریع در انصراف توجه ما شود» (کی‌نیا، ۱۳۷۴: ۲۷۵/۱) به اعتقاد برخی از روان‌شناسان، حیا و عفت یکی دیگر از عوامل فراموشی اشخاص است (همان).

۲. دیدگاه تبعیض بین حقوق زن و مرد

جهت پاسخگویی به شبهه تبعیض نیز دلایل متعددی متصور است که از دید خانم راد و ماتیاس رادشیت مغفول مانده است و در ذیل برخی از آن‌ها مطرح می‌شود:

الف. خلط بین حق و تکلیف

در بررسی حقوق زن در بسیاری از موارد، منتقدین احکام اسلام به جهت عدم اطلاع کافی، «تکالیف» را با «حقوق» خلط نموده‌اند؛ یعنی در بسیاری از موارد که شارع مقدس به هدف صیانت و حمایت از زنان، تکالیفی را که موجب بروز مشکلاتی برای آنان شود، مرتفع نموده است، این «رفع تکلیف» را محرومیت از حق، تلقی نموده و داد دفاع از حقوق زن، سر می‌دهند. شهادت زنان را از یک طرف، «وظیفه وجدانی» تلقی نموده و از طرف دیگر، یک «حق» و برای مخاطب خود بیان ننموده است که «اداء شهادت» یک حق است یا تکلیف؟ و اگر تکلیف است آیا صرفاً یک تکلیف وجدانی و اخلاقی است یا اعم از تکلیف اخلاقی و حقوقی؟ زیرا اگر موردی را جزء «تکالیف» بدانیم با حفظ ویژگی‌های تکلیف دیگر نمی‌تواند جزء «حقوق» باشد چون حق و تکلیف قابل اجتماع نیستند (کاتوزیان، ۱۳۷۰: ص ۲۶۷). شهادت از دیدگاه فقه و حقوق موضوعه، «تکلیف» است، نه «حق» و در صورت اثبات این ادعا، اشکالات مربوط به «عدم پذیرش شهادت زنان در مواردی از حقوق اسلام» از اساس مرتفع خواهد شد. اگرچه بعضی از حقوقدانان، اداء شهادت را صریحاً از مصادیق «تکالیف» دانسته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۰: ۲۶۷). بنابراین جایی برای شبهه تبعیض در هنگام تعدد گواهان

زن در برابر یک مرد باقی نمی ماند؛ زیرا خداوند در واقع تکلیفی را از دوش زنان برداشته و این لطف منعم است، نه نقص و تبعیض برای زن. شهادت در نظام اسلامی یک تکلیف است و اسلام با نپذیرفتن شهادت زن در مواردی مانند قتل، این تکلیف را از زن برداشته و این یک اصل اساسی است که نباید مغفول واقع گردد؛ زیرا در غیر این صورت ثمره ای جز روبه رو شدن با شبهات را به همراه ندارد.

در این راستا، می توان از دیدگاه های خود مؤلفان لیدن به عنوان مؤید مدد جست؛ زیرا اندرو ریپین در مدخل «شهادت» درباره کاربردهای دینی شهادت با استناد به آیه ۶۴ آل عمران، متذکر گشته که شهادت دادن عملی منفعلانه نیست بلکه عملی فاعلانه و از سر اختیار است و ادای آن یک تقاضاست (ر.ک: دائرةالمعارف قرآن لیدن، اندرو ریپین، «شهادت»، witness to faith: Andrew Rippin, v: 5, p: 488) Encyclopedea of the Quran, ۵۷۵/۳

براین اساس وقتی وی ادای شهادت را عملی فاعلانه، اختیاری و یک تقاضا دانسته همین امر بیانگر تساوی حقوق است؛ زیرا فرد در ادا یا عدم شهادت، مخیر است. در این صورت ادای شهادت دال بر تکلیف است نه حق و در تکلیف، انسان مخیر است و اجبار و ملزم شدنی نیست. افزون بر این حد و مرز مشخصی برای مسائل حقوقی و ارزشی از سوی شبهه افکنان، متصور و ترسیم نشده که همین تصور اشتباه، زمینه بروز شبهه را فراهم نموده است.

گواهی دادن و تعداد شهود در موارد خاص، یک مسأله حقوقی است و معنای ارزشی ندارد؛ یعنی ممکن است یک زن ارزش معنوی، اخلاقی یا علمی بیش تری نسبت به مرد داشته باشد یا بالعکس، ولی در حقوق، مسائل خاص خود را دارند. اصولاً در این گونه شبهات باید از خلط بین مسائل حقوقی و ارزشی جلوگیری کرد (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱/۱۲).

ب. عدم توجه به حکمت تشریع و تساوی احکام

در پاسخ به شبهه تبعیض و تفاوت بین حقوق زن و مرد می توان گفت شریعت با توجه به شرایط خاص روحی - روانی و موقعیت های اجتماعی زن و مرد، احکام را به صورت دقیق

ترسیم کرده و مراد شارع، ایجاد نظام حقوقی مناسب برای هدایت انسان‌ها به سوی خداوند است. در مواردی که زن بیش از مرد اشراف دارد، مانند شهادت بر زایمان و ولادت طفل و مردن طفل پس از به دنیا آمدن (که در ارث برای او تأثیر دارد)؛ شهادت یک زن (قابل به تنهایی و به طور فردی پذیرفته است. (داوودی، ۱۳۸۳: ۳۵۳) در حالی که در مردان هیچ موردی وجود ندارد که شهادت یک مرد پذیرفته شود؛ بلکه حداقل باید دو نفر باشند؛ و در مورد برخی موضوعات نیز تنها شهادت مردان نافذ است و شهادت زنان در این گونه موارد (طلاق و قتل) پذیرفتنی نیست؛ یعنی حکم «تساوی دو زن با یک مرد» مطلق نیست. به طور مثال در مورد اثبات زنده متوّل شدن طفل، شهادت مرد چیزی از ارث را برای طفل ثابت نمی‌کند ولی با شهادت هر زن «یک‌چهارم» از ارث ثابت می‌شود و در این مورد فقط شهادت زنان مسموع است. شهادت بر بکارت و یا عیوب جنسی نیز موارد دیگری است که در آن تنها شهادت زنان پذیرفته است (ر.ک: شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۴/۲۴۵-۲۵۹؛ محقق حلی، ۱۳۸۷: ۴۳۱-۴۳۶؛ راوندی، ۱۴۰۵: ۱/۴۲۸؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۱/۱۵۴-۱۷۸).

عدم توجه خانم رادد به فلسفه و حکمت تشریع احکام نیز از دلایلی است که موجب رخ دادن شبهه شده است.

در تحلیل فقهی و حقوقی اسلام و هر نظام عقلایی دیگر، حکمت غالب برای تشریع یک حکم، کافی است و اگر به صورت نادر و غیر غالب، موارد نقضی بود، مضر به تشریع و حکمت آن نخواهد بود.

در بحث شهادت زنان نیز برخورداری بانوان از احساسات قوی‌تر و حیای بیش‌تر نسبت به مردان، علت انعطاف‌پذیری زنان در برابر تهدید و تطمیع است و ممکن است در برابر آن‌ها زودتر تسلیم شوند و گواهی خلاف واقع دهند و یا در حضور دادگاه حیاء کنند. اما در صورت اجتماع دو زن برای شهادت، ضریب خطا کم‌تر می‌شود و در عوض، ضریب اطمینان در شهادت افزایش می‌یابد. از سوی دیگر از آسیب‌پذیری یک زن نیز در جریان شهادت و خصومت‌های پس از آن نیز تا حدودی می‌کاهد.

از سویی بانوان، کم‌تر درگیر مسائل اجتماعی هستند. از این‌رو با حیل‌های اقتصادی و اجتماعی کم‌تر آشنا می‌شوند و ممکن است زودتر از صحنه‌سازی‌های مفسدان اقتصادی فریب بخورند اما هنگامی که دو نفر باشند این خطر کم‌تر می‌شود. بنابراین در شهادت اقتصادی خاص، گواهی دوزن برابر یک مرد است و این به منزله نقص و تبعیض حقوقی برای زن نیست و حکمت‌های متعددی منجر به تشریع این حکم از سوی شارع شده است. براین اساس در آیین دادرسی اسلام، شهادت زن همچون شهادت مرد، به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده است، اگرچه در برخی موارد، قدرت اثبات شهادت مرد و زن متفاوت است (ر.ک: جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۸: ۲۰۷-۲۰۵؛ رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰/۱۲).

ج. عدم توجه به قواعد تفسیری

از جمله اشکالات دیگری که به خانم رادد وارد است عدم توجه وی به رعایت قواعد و ضوابط تفسیری از قبیل اطلاق و تقیید، سیاق، پیوند مفهومی و موضوعی آیات با یکدیگر، و قوانین محاوره ادبیات عرب است؛ زیرا در قرآن، موارد دیگر در رابطه با شهادت به‌صورت مطلق بیان شده است که در آن‌ها اشاره‌ای به زن یا مرد بودن شاهدان نشده است (طلاق، آیه ۲؛ نساء، آیه ۶ و ۱۵) که با توجه به سیاق و ارتباط مفهومی و موضوعی آیات با یکدیگر و در نظر گرفتن تقییدات و تخصیصات، می‌توان به احکام روز مسائل دسترسی یافت و از این طریق، پرده ابهام کنار زده شود.

در **دایرةالمعارف** سیره آمده است که قرآن در هشت جا (شش مورد شهادت و دو مورد قسم) رهنمودهایی را در رابطه با شهادت بیان داشته و در بیشتر موارد اصلاً اشاره‌ای به جنس شاهدان نشده است. بنابراین بی‌انصافی است اگر از کاربرد ضمائر جمع مذکر مثل «منکم» چنین استنباط شود که در این آیات فقط گواهان مرد در نظر گرفته شده است (Encyclopedia of Seerq, v: 3, p: 467). در این‌جا باید گفت در قرآن آیاتی هست که اختصاص به صنف مخصوصی ندارد مانند آیاتی که در آن سخن از ناس یا انسان است. آیاتی هم هستند که در آن

سخن از مرد هست، مانند آیاتی که در آن ضمیر جمع مذکر سالم به کار رفته و آیاتی که از لفظ مردم استفاده شده است، مثل یُعَلِّمُکُمْ، یُعَلِّمُهُم و مانند این‌ها. این گونه کاربرد براساس فرهنگ محاوره و عرف بین‌المللی است و در مقام لفظ چنین تعبیر می‌شود.

این مردم در مقابل زنان نیستند، بلکه مردم یعنی «توده ناس». بنابراین در آیاتی مثل ۶ و ۱۵ از سوره نساء قرآن مطلقاً اشاره‌ای به مرد یا زن بودن شاهدها ندارد، در حالی که در آیه ۲۸۲ سوره بقره متعرض این مسأله نگشته و به صورت مقید و خاص، مسأله شهادت در امور مالی را گوشزد نموده است.

مؤید این مطلب، یکی از مدخل‌های دائرةالمعارف قرآن لیدن است که در آن جا وائل حلاق گفته است:

هرگاه دو حکم از یک جنس باشند صفت مقیدکننده را باید تقییدگر واژه یا عبارت مطلق دانست. او آیه ۲۸۲ سوره بقره را به عنوان شاهد مثال می‌آورد که خداوند در آن به صورت مطلق فرموده: «هرگاه داد و ستد کردید گواه بگیرید» که با عبارت قبلی در همین آیه مقید شده است که چنین فرموده: «دو شاهد از مردان‌تان را به شهادت طلبید، پس اگر دو مرد نبودند، مردی را با دو زن. او سخن خود را در این جا به مدخل شهادت و گواهی دادن رادشیت ارجاع داده و در ادامه گفته است:

در این موارد، احکام مطلق و مقید یکسانند و به یک مورد واحد، یعنی عقد قرارداد فروش، اشاره دارند، که در این جا (منظور آیه ۲۸۲ بقره) خدا در الفاظ قرآن، روشن کرده است که شهادی از نوع خاص در نظر دارد و به صورت مقید مشخص نموده که چه شهادی مراد است (دائرةالمعارف قرآن لیدن، وائل حلاق، فقه و قرآن، ۲۸۱/۴-۲۸۰؛ Encyclopedea of Quran, Law and the Qur'an: Wael B. Hallaq, v: 3, p: 150)

براین اساس با وجود این که وائل حلاق در مدخل مذکور به بحث اطلاق و تقیید اشاره نموده اما این مهم از چشم خانم روت رادد پوشیده و مغفول مانده و سبب بروز شبهه افکنی گشته است.

۳. دیدگاه مقایسه شهادت زن در قرآن با تلمود

برای نقد اظهارات ماتئاس رادشیت در زمینه شهادت زنان، پاسخ‌هایی قابل ارائه هستند که در ذیل به اختصار مطرح می‌گردد:

الف. جواب نقضی

در پاسخ نقضی به ماتئاس رادشیت باید از او پرسید آیا این که قرآن شهادت دوزن را برابر یک مرد دانسته بی‌عدالتی و نابرابری است؟! یا این که نابرابری در این است که تلمود به‌طور کلی حق شهادت را از زن ستانده است؟! زیرا زنان در جامعه یهودی قدیم اجازه شهادت نداشته‌اند و ربی‌ها می‌گفتند: زنان به‌خاطر چند لعنتی که بر آن‌ها تحمیل شده است حق شهادت ندارند. زنان در اسرائیل کنونی نیز حق شهادت دادن در دادگاه ربیون را ندارند (Swidler, 1976: p: 115). همچنین در مسیحیت اگر یک مرد، زنش را متهم به بی‌عفتی نماید، شهادت آن زن، به هیچ‌وجه مورد ملاحظه قرار نخواهد گرفت. زن متهم‌شده باید مورد محاکمه سختی قرار گیرد تا مشخص شود او مجرم است یا بی‌گناه (کتاب مقدس، ۲۰۰۲م: فصل ۲۶، آیات ۱۱-۱۰).

ب. عدم توجه به نحوه تشریع احکام

لازم به یادآوری است که وجه تمایز احکام قرآن با احکام تورات این است که قرآن به اهداف و فلسفه احکام پرداخته است، ولی در تورات این بُعد یافت نمی‌شود. در بحث فعلی (شهادت زنان)، حکمت و یا علت دوتا بودن گواهان زن در برابر یک مرد بیان شده تا اگر یک زن به هر علتی به انحراف و گمراهی رفت، زن دیگر این انحراف را متذکر شود.

ج. محدود و منحصر نمودن منابع

با نگاهی به منابع مورد استفاده ماتئاس رادشیت در مدخل «شاهد بودن و شهادت دادن» می‌توان به این نتیجه رسید که وی برای ارجاعات نگاشته‌های خود یک دید ابزاری انحصاری داشته و در استفاده از ظرفیت منابع گسترده فریقینی، خود را محدود به بهره‌مندی

از منابع اهل سنت نموده و به ندرت به کتب و مصادر شیعه ارجاع داده است. به عنوان نمونه از جمله منابع مورد استفاده ایشان کنز السعاده آلوسی، کشاف زمخشری، المهدّب فی فقه الشافعی اثر فیروزآبادی، فتح المبین عبدالوهاب شعرانی، الاتقان سیوطی، احیاء العلوم امام محمد غزالی شافعی مذهب و مانند این هاست و با آن که بحث او استناددهی به آیات قرآنی است و در این راستا می بایست به کتب تفسیری مرتبط با آیات مورد بحث ارجاع دهد حتی یک مورد از کتب تفسیری شیعه را نام نبرده و تنها ارجاعی که به مصادر شیعه داده کتاب روایی «من لا یحضر الفقیه» شیخ صدوق است.

با چنین انحصارطلبی و انتخاب گزینشی منابع از سوی مؤلف، شبهه افکنی پیرامون آیات، امری بدیهی و طبیعی می نماید (ر.ک: ماتیس رادشیت، «شاهد بودن و شهادت دادن»، Encyclopedea of Quran, Witnessing and Testifying: Matthias Radscheit, ۵۰۲-۵۰۱/۳ v: 5, p: 505-506)

د. یک سوپیه نگری

نویسنده مقاله «شاهد بودن و شهادت دادن» می بایست از اطلاعات گسترده و دامنه داری برخوردار و از دیدگاه های ارباب مذاهب و صاحبان آرا مطلع باشد. در گزارش دهی از نظرات فقهای فریقین و مذاهب، یک سوپیه نگری کرده و تنها از برخی دیدگاه ها و منابع اهل سنت مدد جسته است؛ زیرا وی به صراحت فتوای مذهب حنفی را متذکر گشته و به نظر می رسد نظر ایشان مورد پسند مؤلف واقع شده است؛ علاوه این که در منابع نیز به فقه شافعی استناد داده است. به هر حال، وی از روی عمد یا غفلت به احکام شیعی و احکام اهل سنت که در تساوی با شیعه است توجه نکرده و این روش از یک محقق بی طرف و جامع نگر دور است که بخش مهمی از جهان اسلام را در نظر نداشته باشد.

هـ. مغایرت با مدخل عقد و پیمان

ضروری است که ماتیس رادشیت به مؤلفان سایر مدخل های دائره المعارف قرآن لیدن و

محتوای آن‌ها شناخت و تسلط داشته باشد اما ضرورت مراعات این امر و ملتزم شدن به آن از سوی ایشان، آگاهانه یا ناآگاهانه مورد سهل‌انگاری واقع شده است؛ به‌گونه‌ای که به سخنان وائل حلاق در مقاله «عقد و پیمان» توجه ننموده و همین غفلت و سهل‌انگاری زمینه بروز شبهات، تغایر، ابهام و دوگانگی آراء مؤلفان را فراهم ساخته است؛ چراکه وائل حلاق با استناد به آیه مورد بحث (بقره، ۲۸۲) اعتبار اسناد مکتوب را به‌صورت مطلق، متکی به شهادت شهود و گواهان دانسته و اعتباری برای مکتوب بودن سند قائل نشده بلکه معتبر بودن سند را تنها منوط به قرین شدن با گواهی گواهان دانسته است. (ر.ک: دائرةالمعارف قرآن لیدن، عقد و پیمان، وائل حلاق: Encyclopedea of Quran, contracts And alliances: Wael B. Hallaq, v: 1, p: 434؛ ۱۱۶/۴ وی در «مدخل عقد و پیمان» ایرادی به نحوه شهادت هیچ‌یک از شاهدان نگرفته بلکه اصل گواهی آنان را اعتباربخش اسناد مکتوب در معاملات و قراردادهای مالی به احتساب آورده است (ر.ک: همان؛ ۱۱۷)؛ v: 1, p: 434

۴. دیدگاه عدم نقصان عقل زنان

با تحلیل اقوال مؤلف تسنیم، دلایلی ذیل مسأله حاصل می‌شود:

الف. حکمت غایی

از نظر وی روایات مورد استناد، بیانگر حکمت غایی در مسأله مذکورند و نه علت دائمی.

ب. احتیاط قضایی

اختلاف در تعدد گواهان به‌خاطر احتیاط قضایی و قلت حضور زن در جریان‌های اقتصادی و اجتماعی است.

ج. معنای عارضی نسیان

«تَضَلَّ» به معنای نسیان و فراموشی است که عارض شده، نه این‌که ذاتا زنان این‌گونه باشند.

د. ضعف حافظه و ذاکره

این حکم به خاطر کم‌تر بودن حافظه زنان و یادآوری به علت اشتغال به امور زنانگی است، نه به علت نقصان عقل ایشان.

هـ. تفاوت عقلانی زن و مرد

با توجه به خلقت تکوینی هدفمند زن، نیازی به تساوی عقلانی زن و مرد نیست و تفاوت عقلانی آن‌ها در سه مرتبه عقل ابزاری، عقل نظری و عقل عملی است.

نتیجه

در جمع‌بندی مطالب می‌توان گفت: از سوی برخی از مؤلفان دائره‌المعارف قرآن لیدن به علت تکیه بر مبانی، روش، گرایش و پیش‌فرض‌های خود با استناد به آیه ۲۸۲ بقره شبهاتی به مسأله شهادت زنان وارد شده و عدم تساوی عدد زنان با مردان در شهادت دادن را یک تبعیض حقوقی و نقصان حافظه و عقل زنان شمرده‌اند و احکام فقهی اسلام را با تلمود مقایسه کرده‌اند. براین اساس با استفاده از منابع فقهی، تفسیری و روایی، پاسخ‌هایی به شبهات داده شده، از جمله مؤلف تسنیم، سبب احتیاط قضایی در تعدد شاهد را اشتغال وافر زن به مسائل خانگی، قلت حضور وی در جریان‌های اقتصادی و اجتماعی، کم‌بودن تذکر و حافظه‌اش، نسیان عارضی، عدم تساوی تکوینی عقلانی زن و مرد دانسته است نه نقصان عقل زن. اسلام، ادای شهادت را تنها یک تکلیف اختیاری برای زن دانسته نه یک حق! محقق، شبهه‌افکنان را به حیطة عواطف و احساسات زنانگی و نحوه تشریع حکیمانه احکام اسلام ارجاع داده و آن‌ها را از عدم رعایت قواعد تفسیر، یک‌سونگری، محدود نمودن منابع مورد استفاده، ارائه تحلیل سطحی و حدسی، قیاس نادرست قرآن و تلمود و خلط در مسائل حقوقی، ارزشی و عقلی واداشته و از ایشان بررسی پژوهش‌های جامع‌نگر، همه‌جانبه و فریقینی را خواستار شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. ؛ENCYCLOPEDIA OF THE QURAN: V:5, P:502؛ دائرةالمعارف قرآن لیدن: ۴۹۱/۳-۴۹۳.
۲. ؛ENCYCLOPEDIA OF THE QURAN: V:5, P:503؛ دائرةالمعارف قرآن لیدن: ۲۷۸/۳.
۳. ؛ENCYCLOPEDIA OF THE QURAN: V:3, P:150؛ دائرةالمعارف قرآن لیدن: ۲۸۰/۴.
۴. ؛ENCYCLOPEDIA OF THE QURAN: V:1, P: 434؛ دائرةالمعارف قرآن لیدن: ۱۱۶/۴.
۵. ؛ENCYCLOPEDIA OF THE QURAN: V:1,P: 252؛ دائرةالمعارف قرآن لیدن: ۴۴۷/۲.
۶. ؛ENCYCLOPEDIA OF THE QURAN: V:5,P:488؛ دائرةالمعارف قرآن لیدن: ۵۷۵/۳.
۷. الشبهات و هو كل معلوم يظهر فيه وجه للحق و وجه لغير الحق فيكون في الأرزاق ما هو حلال بين و حرام بين و بينهما مشتبهات لا يعلمها كثير من الناس فمن لاحت له وقف عندها حتى يتبين له أمرها فأما إن يلحقها بالحلال و إما أن يلحقها بالحرام فلا يقدم عليها ما دامت في حقه شبهة فإنها في نفس الأمر مخلصة لأحد الجانبين و إنما اشتبه على المكلف لتعارض الأدلة الشرعية عنده في ذلك.
۸. تلمود: مجموعه سنت‌های ربانی که قوانین حضرت موسی (ع) را تفسیر می‌کند، گنجینه بسیار بزرگ یهود است دو بخش دارد: یکی هگادا به معنای روایت و داستان و دیگری هالاخا به معنای راه و روش؛ در این مجموعه عظیم، مسائل فقهی، حقوقی، موضوعات کیفری، ادله اثبات، مباحث دادگاهها و صدور و اجرای حکم و ... به تفصیل ذکر شده است. مهم‌ترین منبع فقه و حقوق یهود است. (بایرناس، جان، تاریخ جامع ادیان، مترجم: علی اصغر حکمت، علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۹۳: ۵۵۹؛ ادله اثبات دعوی کیفری در آیین یهود، مجله هفت آسمان، ش ۳/۱، حسین سلیمانی).

کتابنامه

- قرآن کریم.
نهج البلاغه
آلوسی، سید محمود، *روح المعانی*، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۵ق.
ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر و التنویر*، مؤسسة التاریخ العربی، چاپ اول، بیروت، ۱۴۲۰ق.
ابن عربی، *الفتوحات المکیه*، مؤسسة اهل البيت لإحياء التراث، مصر، [بی تا].
ابن عربی، محیی الدین، *رحمة من الرحمن*، [بی نا، بی جا]، ۱۴۱۰ق.
ابن فارس، احمد بن زکریا، *معجم مقاییس اللغة*، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.
ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، *غریب القرآن*، [بی نا، بی جا، بی تا].
ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *تفسیر القرآن العظیم*، دار الکتب العلمیه، قم، ۱۴۱۹ق.
ابن منظور، محمد، *لسان العرب*، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
امامی، حسن، *حقوق مدنی*، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۴۰.
بایرناس، جان، *تاریخ جامع ادیان*، مترجم: علی اصغر حکمت، علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۹۳.
بحرانی، هاشم، *البرهان*، بعثت، تهران، ۱۴۱۶ق.
جرجانی، شریف علی بن محمد، *التعریفات*، جمالی، مصر، ۱۳۰۶.
جعفری، محمدتقی؛ *ترجمه و شرح نهج البلاغه*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۶ش.
جمعی از مؤلفان، *درسنامه فلسفه حقوق*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۸.
جوادی آملی، عبدالله، *تسنیم*، اسراء، قم، ۱۳۸۹.
جوادی آملی، عبدالله؛ *زن در آئینه جلال و جمال*، نشر فرهنگی رجاء، قم، ۱۳۷۱.
جوهری، ابونصر، اسماعیل بن حماد، *الصحاح*، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷ق.
حقی بروسی، اسماعیل، *تفسیر روح البیان*، دار الفکر، بیروت.

- داوودی، سعید، *زنان و سه پرسش اساسی*، مدرسه علی بن ابیطالب، ۱۳۸۳.
- راغب اصفهانی، محمدحسین، *مفردات*، دار القلم- الدار الشامیة، بیروت، ۱۴۱۲.
- راوندی، قطب‌الدین، *فقه القرآن*، کتابخانه مرعشی، قم، ۱۴۰۵ق.
- رضایی اصفهانی و همکاران، *پرسش‌ها و پاسخ‌های قرآنی جوانان*، پژوهش‌های قرآنی المهدی، قم، ۱۳۹۲.
- زیبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس*، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- زمخشری، جارالله أبو القاسم محمود بن عمرو، *اساس البلاغة*، دار صادر، بیروت، ۱۹۷۹م.
- _____، *الکشاف*، دار الکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ق.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی العاملی، *مسالك الأفهام*، مؤسسة المعارف الإسلامية، قم، ۱۴۱۳ق.
- طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان*، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۷.
- طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵.
- عسکری، حسن بن عبدالله، *الفروق اللغویة*، دار الآفاق الجدیدة، بیروت، ۱۴۰۰ق.
- غزالی، محمد، *احیاء العلوم*، دار الکتاب العربی، [بی‌جا، بی‌تا].
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، هجرت، قم، ۱۴۰۹ق.
- فضل‌الله، سید محمدحسین، *من وحی القرآن*، دار الملائک للطباعة و النشر، بیروت، ۱۴۱۹ق.
- فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر*، مؤسسه دار الهجرة، قم، ۱۴۱۴ق.
- قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، ناصر خسرو، تهران، ۱۳۶۴.
- کاتوزیان، ناصر، *مقدمه علم حقوق*، بهنشر، تهران، ۱۳۷۰.
- _____، *کتاب مقدس*، انگلستان، انتشارات ایلام، ۲۰۰۲ م.
- کدیور، جمیله، *زن*، اطلاعات، تهران، ۱۳۸۸.
- کی‌نیا، مهدی، *التأویلات* (روان‌شناسی قضایی)، نشر مجد، تهران، ۱۳۷۴.
- محقق‌حلی، محمد بن حسن، *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*، مؤسسه

بررسی تطبیقی شهادت زنان با استناد به آیه ۲۸۲ بقره از دیدگاه مؤلفان لیدن و تسنیم □ ۱۷۳

اسماعیلیان، قم، ۱۳۸۷.

مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۶.

مصطفی، ابراهیم و دیگران، *المعجم الوسیط*، دار الدعوة، قاهره.

معلوف، موریس، *المنجد*، اسماعیلیان، تهران، ۱۳۶۲.

مک اولیف، جین دمن، *دائرة المعارف قرآن*، ترجمه خندق آبادی، حسین و دیگران، حکمت، تهران، ۱۳۹۴، ۱۳۹۳، ۱۳۹۶.

مکارم، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴.

موحد ابطحی اصفهانی، محمدباقر، *التفسیر المنسوب الی الامام حسن العسکری*، مدرسه امام مهدی، قم، ۱۴۰۹ ق.

مهریزی، مهدی، *شخصیت و حقوق زن در اسلام*، علمی فرهنگی، ۱۳۸۲.

نجفی جواهری، محمدحسن، *جواهر الکلام*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۴ ق.

نیشابوری، مسلم بن حجاج، *صحیح*، دار الطباعة العامرة، استانبول، ۱۳۲۹ ق.

مقالات:

امیری، سهراب و همکاران، «آثار ارزیابی شناختی و سرکوبگری هیجانی بر واکنش‌های عصبی خودکار بر اساس حساسیت پردازش حسی»، *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، دوره ۲۳، ش ۲، تابستان ۹۶، صص ۱۶۳-۱۴۸.

سلیمانی، حسین، «ادله اثبات دعوی کیفری در آیین یهود»، *نشریه هفت آسمان*، ش ۱.

مطهرd، مرتضی، «زن و گواهی»، *نشریه پیام زن*، ش ۷، مهر ۱۳۷۱.

منابع انگلیسی

Encyclopedia of the Quran EQ, Jane Dammen McAuliffe, v: 1, 3, 5, Brill, Leiden - Boston, 2004.

Encyclopedia of Seerqh, Afzalur Rahman, Digital, v: 3, p: 449-467 Edition, 1984.

Encyclopedea of Quran, Witnessing and Testifying: Matthias Radscheit, v: 5, p:

502- 506.

Encyclopedea of Quran, Women and the Quran, Roded, Ruth, v: 5, p: 525.

Encyclopedea of Quran, Law and the Qur'an: Wael B. Hallaq, v: 3, p: 150.

Encyclopedea of Quran, contracts and alliances: Wael B. Hallaq, v: 1, p: 434 - 435.

Encyclopedea of Quran, Boundaries and Precepts (hudūd Allāh): Richard Kimber, v: 1, p: 252.

Encyclopedea of Quran, witness to faith: Andrew Rippin, v: 5, p: 488.

Encyclopedea of Quran, martyr, Wim Raven, v: 3, p: 282.

Encyclopedea of Quran, Sīra and the Qurān, Wim Raven, v: 5, p: 29

Swidler, Leonard, Women in Judaism, Scarecrw Prees, Englad, 1976.